انس پيامبر گرامى‏صلى الله عليه وآله‏با قرآن كريم‏

مرتضى ترابى‏

انس، يعنى خو گرفتن همدمى و مصاحبت انسان با فرد يا شى‏ء مورد علاقه‏اش. انسان به لحاظ اين كه وجودى گسترده دارد و مجمع اميال و گرايش‏هاى مختلف است، زمينه انس با امور گوناگون را داراست. انس انسان با امور متعالى و معنوى منوط به اين است كه بين او و مأنوسش سنخيت وجود داشته باشد، هر چه اين سنخيت بيشتر باشد موانست نيز بيشتر خواهد بود. از اين رو، هر كس به هر اندازه كه از باطل دور باشد، انس با قرآن مجيد كه سرتاسر آن حق است و هيچ گونه باطلى در آن راه ندارد، بيشتر مى‏شود. انس كامل مختص كسانى است كه در انديشه، اخلاق و كردار از هرگونه باطلى به دور بوده، و حق محور باشند.

انس به يك شى‏ء درهاى دل را به روى آن شى‏ء باز مى‏كند، و باعث مى‏شود كه روح و جان انسان تحت تأثير قرار گيرد و رنگ و بوى آن شى‏ء را به خود بگيرد، اين تأثير به تدريج در تمام حركات و سكنات فرد متبلور مى‏شود. بر اين اساس، انس با قرآن مجيد كه تجلى حق تعالى در اين جهان است و سرتاسر دعوت به تعالى و سير به سوى حق است انسان را به اندازه استعداد و قابليت‏هايش از نور و كمال برخوردار مى‏كند تا جايى كه انسان در ابعاد مختلف وجودش قرآنى و مظهر قرآن مى‏شود.

قرآن كريم، مانند ريسمانى است كه اين عالم را به عالم غيب متصل مى‏كند، داراى مراتب و ابعاد گوناگون است. از سوى ديگر، انسان نيز داراى گسترده وجودى شگفت آور است كه به او استعداد ورود به اعلى عليين را داده است. يعنى قرآن و انسان هر دو داراى مراتب ظاهر و باطن و باطن آنها نيز داراى مراتب گوناگون است، پس انس انسان با قرآن با توجه به اين گستردگى، مراتب مختلفى پيدا مى‏كند.

بر اين اساس، انس پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - كه داراى مقام عصمت و طهارت است با قرآن، انس همه جانبه بوده و در تمام شؤون و مراتب قرآن با آن همراه بودند. به نحوى كه خود تجسم قرآن مجيد بودند، و تمام شؤون حضرت، تفسير آيات الهى بود. زبانشان با تلاوت آيات قرآن انس داشت، ذهنشان با تدبر در معانى آن مأنوس بود و قلبشان آكنده از تجليات الهى در قرآن بود، و باطنشان با لوح محفوظ - كه حاوى حقيقت قرآن است - در تماس بود، و كردارشان تفسير عينى قرآن در زندگى بود.

خلاصه آن كه پيامبر و اهل بيت - عليهم السلام - هم در قرائت، تلاوت و حفظ و هم در علوم و معارف و هم در عمل و تطبيق، همدم و همراه قرآن بودند. اين موضوعى است كه علاوه بر اصول كلى و نظرى مى‏توان آن را در پرتو شواهدى از زندگى حضرت بررسى كرد.

انس پيامبر گرامى با قرآن كريم‏

پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - كه وحى قرآنى را از منبع غيب دريافت كرد، و آن را به عنوان معجزه ابدى، و كتاب نور و هدايت براى بشر به ارمغان آورد، خود بيشتر از همه با اين كتاب همدم بود، و اولين عالم و عامل به آن، و كاملترين الگوى انسان قرآنى، در انديشه، اخلاق و رفتار بودند. ارتباط و انس پيامبر با قرآن ارتباط خاصى بود كه در ابعاد خاصش براى هيچ كس - غير از ايشان - محقق نشده و نخواهد شد.

قرآن مجيد، مملو از دستورهايى است كه مخاطب آنها شخص پيامبر گرامى - صلى الله عليه و آله - است، و مسئوليت انجام آن بر عهده آن حضرت است. هر كدام از اين خطاب‏ها، از مجاهدت‏ها و تلاش‏ها و سيره‏هاى الهى پيامبر - صلى الله عليه و آله - حكايت مى‏كند، و اين آيات الهى لحظه به لحظه زندگى آن حضرت را شكل مى‏داده، و همراهى مستمر آن وجود گرامى را با آواى وحى موجب مى‏شد، به طورى كه پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - در هر پيش آمدى، منتظر سروش غيبى بودند، و دلشان تنها با نزول آيات قرآن آرام مى‏گرفت و با تاخير وحى، نگران مى‏شدند.(1)

اين حقيقت، هم در بعد اجتماعى و هم در بعد فردى شخصيت پيامبر به وضوح متجلى است. قرآن مجيد در آيات متعدد، تلاوت آيات قرآن مجيد، براى ابلاغ به مردم، و همچنين تبيين و تعليم، و اجراى آن را، وظيفه اصلى پيامبر اسلام - صلى اله عليه و آله - دانسته است و پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - نيز در راستاى انجام اين مسئوليت الهى، از هيچ كوششى فروگذار نكردند، و در راستاى رساندن پيامهاى الهى، تا آخرين لحظات عمر مبارك خود، تلاش كردند.

در كنار اين وظيفه اجتماعى، پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - مأمور بودند كه آيات قرآن مجيد را در دل شبها براى خود تلاوت كنند.

خداوند متعال در سوره مزمل مى‏فرمايد:

«يا ايها المزمل قم الليل الا قليلا نصفه او انقص منه قليلا او زد عليه و رتل القرآن ترتيلا»(2)

«اى جامه به خود پيچيده! شب را جز اندكى به پا خيز. نيمى از شب يا كمى از آن را كم كن يا بر نصف آن بيفزاى و قرآن را با ترتيل (دقت و تأمل) تلاوت كن.»

قرآن مجيد از اهتمام پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - به انجام اين دستور خبر داده است.

«ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثى الليل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذين معك و الله يقدر الليل و النهار علم ان لن تحصوه فتاب عليكم فاقرؤا ما تيسر من القرآن علم أن سيكون منكم مرضى و آخرون يضربون فى الأرض يبتغون من فضل الله و آخرون يقاتلون فى سبيل الله فاقرؤا ما تيسر منه و اقيموا الصلاة و آتوا الزكاة و أقرضوا الله قرضا حسنا و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا و أعظم أجرا و استغفروا الله ان الله غفور رحيم»(3)

«در حقيقت پروردگارت مى‏داند و گروهى از كسانى كه با تو هستند، نزديك به دو سوم از شب يا نصف آن يا يك سوم آن را (به نماز) برمى‏خيزند، و خداست كه شب و روز را اندازه گيرى مى‏كند (او) مى‏داند كه (شما) هرگز حساب آن را نداريد، پس توبه شما را پذيرفت پس هر چه از (قرآن برايتان) ميسر است تلاوت كنيد و زكات را بپردازيد و (قرض الحسنه‏اى) نيكو به خدا وام دهيد و هر كار خوبى براى خويش از پيش فرستيد آن را نزد خدا بهتر و يا پاداشى بيشتر باز خواهيد يافت و از خدا طلب آمرزش كنيد كه خدا بسيار آمرزنده و مهربان است.»

بيان آيات قرآن براى مردم - ولو با در خطر انداختن جان خود و نزديكانش همه نمونه و نشانه‏هاى ارتباط و انس بى‏نظير آن حضرت با اين كتاب الهى است.

على - عليه السلام - كه در طول عمر مباركش هميشه همراه و همراز پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - بودند، در وصف شدت علاقه پيامبر به قرآن كريم مى‏فرمايد:

«كان رسول الله - صلى‏الله‏عليه‏وآله - لا يحجزه عن قراءة القرآن الا الجنابة.»(4)

«چيزى جز جنابت مانع از تلاوت قرآن رسول الله - صلى الله عليه و آله - نمى‏شد.»

پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - هر شب به قرائت سوره‏هاى خاصى از قرآن كريم اهميت مى‏دادند. جابر گفت:

«كان النبى - صلى الله عليه و آله - لاينام حتى يقرأ تبارك، و الم التنزيل.»(5)

«پيامبر اكرم - صلى‏الله‏عليه‏وآله - تا سوره‏هاى مباركه "تبارك" و "الم تنزيل" تلاوت نمى‏كردند، نمى‏خوابيدند.»

«كان - صلى الله عليه و آله - لايرقد حتى يقرأ المسبحات، و يقول: فى هذه السور آية هى أفضل من ألف آية، قالوا: و ماالمسبحات؟ قال: سورة الحديد، و الحشر، و الصف، و الجمعة، و التغابن.»(6)

«آن حضرت تا سوره‏هاى "مسبحات" را نمى‏خواندند، به خواب نمى‏رفتند و مى‏فرمود: در اين سوره‏ها آيه‏اى است كه آن آيه از هزار آيه برتر است.

سؤال كردند: مسبحات كدام سوره‏ها هستند؟ فرمود: " سوره‏هاى حديد، حشر، صف، و جمعه، و تغابن" است.»

پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - حتى در شدت بيمارى نيز از قرائت قرآن كريم دست نمى‏كشيدند.

بكر بن عبدالله گفت:

«شخصى در حالى بر پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - وارد شد كه آن حضرت به شدت بيمار بود، و يا گفت: تب دار بود، به حضرت گفت: اى رسول خدا! چقدر تب شما شديد است؟!

پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: "آن تب از خواندن سى سوره از قرآن من مانع نشد، در حالى كه هفت سوره از آنها از سوره‏هاى طولانى بودند." پيامبر سپس فرمود: "آيا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟"!»

چيزى كه قرائت قرآن كريم توسط پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - را بر قرائت ديگران برترى مى‏بخشد، اين است كه حضرت براى رسيدن به مقاصد دنيايى و يا آخرتى قرآن نمى‏خواندند، بلكه تنها براى شكرگزارى قرآن مى‏خواندند. از اين رو، فرموده‏اند: «آيا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟»

اين مقامى است كه جز اولياى خاص خدا به آن نمى‏توانند برسند.

عشق و علاقه حضرت به قرآن كريم به حدى بود كه گاهى يك آيه را از شب تا به صبح تكرار مى‏كردند.

ابوذر گويد:

«يك شب رسول خدا - صلى الله عليه و آله - نزد ما بود، سپس برخواست و يك آيه را پشت سر هم تكرار مى‏كرد: «ان تعذبهم فانهم عبادك و ان تغفرلهم فانك انت العزيز الحكيم»(7) "اگر آنان را عذاب كنى، پس آنان بندگان تو هستند، و اگر آنان را بيامرزى، قطعا تو شكست‏ناپذير فرزانه‏اى".»(8)

همچنين محبت و علاقه پيامبر - صلى الله عليه و آله - به قرآن كريم را مى‏توان از علاقه پيامبر به شنيدن قرائت قرآن به دست آورد.

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - به ابن مسعود فرمود: «برايم بخوان».

ابن مسعود گويد: سوره نسا را آغاز كردم تا رسيدم به آيه‏اى كه مى‏فرمايد: «(حال تو) چگونه است، آن وقتى كه از هر گروهى گواهى بياوريم، و تو را بر (همه) آنان گواه آوريم» ديدم كه اشك از ديدگانش جارى شد، و فرمود: «الان كافى است.»(9)

انجام برخى از اعمال عبادى و از جمله قرائت قرآن براى برخى از افراد به صورت عادت در مى‏آيد، در اين حالت عمل عبادى ظاهرى بى‏محتوا و جسمى بى روح خواهد بود. اما عمل عبادى حقيقى آن است كه با توجه و حضور قلب باشد، و همواره براى فرد طراوت و تازگى داشته باشد، حتى اگر بارها تكرار شده باشد. انس حضرت با قرآن چنين خصوصيتى داشت. از اين رو پيامبر - صلى الله عليه و آله - در حين قرائت قرآن به خصوص آياتى كه مسئوليت عظيم ايشان را بازگو مى‏كند، به شدت تحت تأثير واقع مى‏شد.

«قال: و كان رسول الله - صلى الله عليه و آله - اذا قرأ هذه الآية «و ما تكون فى شأنٍ و ما تتلو منه من قرآنٍ و لاتعملون من عملٍ الا كُنّا عَليكُم شهوداً اذ يفيضون فيه و ما يعزب عن ربك من مثقال ذرة فى الأرض ولا فى السماء و لا أصغر من ذلك و لا أكبر الا فى كتاب مبين» بكى بكاء شديداً.»(10)

«هنگامى كه پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - اين آيه را قرائت مى‏كرد: "در هيچ حال نيستى و هيچ قسمتى از قرآن را تلاوت نمى‏كنى، و هيچ علمى را انجام نمى‏دهيد، مگر اين كه ما گواه بر شما هستيم در آن هنگام كه وارد آن مى‏شويد. هيچ چيز در زمين و آسمان، از پروردگار تو مخفى نمى‏ماند، حتى به اندازه سنگينى ذره‏اى، و نه كوچك‏تر." به شدت گريه مى‏كرد.»

اين تأثر شديد به حدى است كه پيامبر فرموده است:

«انى لأعجب كيف لا أشيب اذا قرأت القرآن.»(11)

«من تعجب مى‏كنم كه چگونه وقتى قرآن مى‏خوانم پير نمى‏شوم.»

در حقيقت، آن چيزى كه براى پيامبر گرامى از قرائت قرآن مجيد متوقع بوده، محقق شده است. از اين رو، در حديث ديگر اين گونه فرمود:

«قال رجل: يا رسول الله! أسرع اليك الشيب، قال: شيبتنى هود، و الواقعة، و المرسلات، و عم يتسائلون.»(12)

«مردى از پيامبر پرسيد: اى پيامبر خدا! چرا زود پيرى به سراغ شما آمد؟ حضرت فرمود: سوره‏هاى هود، واقعه، مرسلات و عم يتسائلون مرا پير كرد.»

پي نوشت ها:

1) در مواردى متعددى پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - حالت انتظار به خود مى‏گرفت و تصميم درباره امرى يا پاسخ پرسشى را تا آمدن وحى به تاخير مى‏انداخت. اين حالت پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - در برخى آيات قرآن مجيد نيز مورد اشاره واقع شده است،نظير اين آيه كه درباره تغيير قبله نازل شده است: «قد نرى تقلب وجهك فى السماء».

2) سوره مزمل (73) آيه 1 - 6.

3) همان، آيه 20.

4) بحار الانوار، ج 87، ص 68 ؛ كنز القوائد، كراجكى، ص 266.

5) مجمع البيان، ج 8، ص 325 ؛ بحارالانوار، ص 92، ص 316.

6) مجمع البيان، ج 9، ص 299 ؛ سنن النبى، علامه الطباطبائى، ص 339 ؛ روح الجنان، ابى الفتوح الرازى، ج 11، ص 30.

7) سوره مائده (5) آيه 118.

8) التحفة السنية، سيد عبدالله جزائرى، ص 149 ؛ محجة البيضاء، ج 2، ص 237.

9) ر.ك: اسرار الصلاة، شهيد ثانى ؛ مستدرك الوسائل، ميرزاى نورى، ج 4، ص 238 ؛ در نقل ديگر چنين آمده است: روى عن ابن مسعود قال: أمرنى رسول الله - صلى الله عليه و آله - أن أتلو عليه شيئا من القرآن، فقرأت عليه من سورة يونس حتى اذا بلغت قوله تعالى: «ورودا الى الله مولاهم الحق...». رأيته و اذا الدمع تدور فى عينيه الكريمتين. الميزان، ج 6، ص 338. از ابن مسعود روايت شده است كه گفت: رسول خدا - صلى الله عليه و آله - به من فرمود كمى قرآن تلاوت كنم، سوره يونس را براى آن حضرت تلاوت كردم تا رسيدم به آيه‏اى كه مى‏فرمايد: «... و به سوى سرپرست حقيقى شان بازگردانده شدند» ديدم كه اشك در چشمان مباركشان حلقه زد.

10) مجمع البيان، ج 5، ص 116.

11) الكافى، ج 2، ص 632.

12) الأمالى، الشيخ الصدوق، ص 304.